

گهر یابان دریای رؤیاها

نرگس اصغری گوار^۱
دکتر سعید ا. قره بگلو^۲
دکتر محمد عرب زاده^۳

چکیده

خواب از نشانه‌های خداوند در روز و شب است و تبیین و تفسیر جلوه‌های راز آلود آن بر عهده معبران و خواب گزاران می‌باشد تا پرده ابهام را کنار زده و پیام‌های عالم غیب را با علم موهوبی و یا اکتسابی خود به صاحبان خواب‌ها تفهیم نمایند. نگارنده در این مقاله بر آن شده که با استناد به متون ادبی، ضمن درجه‌بندی معبران و بیان صفات متمایز آنان، بتواند طرحی از خطوط اساسی و مشخصات کلی این قشر را به روش توصیفی - تحلیلی ترسیم کرده و با بررسی مناسبات عمومی و فردی آنان در ارتباط با دربار و عموم مردم، پژوهشی ارائه دهد که درک روشن‌تری از جایگاه و اعتبار خواب گزاران در اذهان قدما به دست دهد.

کلید واژه‌ها:

خواب گزار، علوم، صفات، موقعیت اجتماعی، مخاطرات

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۳- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه

واژه خواب که گاه مترادف رؤیا می باشد به معنی صوری است که در هنگام خواب در ذهن آدمی رخ بنماید. (دهخدا، ذیل رؤیا) فروید معتقد است که «زبان ناخودآگاهی، زبان رؤیاست و به یاری رؤیاست که ناخودآگاهی، نهفته های خویش را بر ما آشکار می سازد، از این رو، رؤیا دروازه رازهاست.» (کزآزی، ۱۳۸۸: ۷۸) اما از دیدگاه حکما و عرفای اسلامی، خواب یکی از راه های اطلاع از معنیات است. اغلب ملل نیز خواب را الهام خدایان دانسته اند.

رؤیاها از حیث وضوح درجاتی دارند؛ پی بردن به مفاهیم و پیامهای آنها، گاه به سادگی ممکن است؛ زیرا ظاهر رؤیا به قدری صریح و روشن است و از دخل و تصرف قوه خیال به دور می باشد که نیازی به تعبیر ندارد، ولی گاهی زبان آن، زبانی نمادین و سمبلیک است و اقتباس معلومات از آن ضعیف و مبهم می باشد. درک این زبان نیازمند واسطه ای است که بتواند از ظاهر رؤیا بگذرد و با رمز گشایی به معانی باطنی و پنهان آن دست یابد.

خواب گزاران، مترجمانی هستند که با علم لدنی یا اکتسابی خود به تأویل و تفسیر چنین خواب هایی دست می یازند و ارزش و پیام خواب را آنان تعیین می کنند. داشتن چنین مزیتی اهمیّت و مقام و مرتبه ای ویژه بدانان می بخشد.

ابن عربی معبر را هنگام تعبیر خواب، در مقام نبی می نشاند و معتقد است که کار او جزئی از کار نبوت است: «فالعابِر الرؤیا هو الذی له جزء من اجزاء النبوت.» (الغراب، ۱۹۹۳: ۱۵)

مولوی در مثنوی آنان را «شهان با دها» می نامد:

می ببیند خواب، جانّت وصف حال	که به بیداری نبینی بیست سال
در پی تعبیر آن، تو عمرها	می دوی سوی شهان با دها

(مولوی، ۱۳۶۶، د ۴: ۷۷۵)

وجود چنین نگرشی به خواب گزاران مدیون عواملی چند است. استعداد و علم خاص این گروه که شمار معدودی از مردم صاحب چنین موهبتی هستند، در مقایسه با علاقه و نیاز همگانی، فضیلتی است که برتری را به ارمغان می آورد. در عین حال باید به این نکته نیز توجه

کرد که معبران معمولاً جزو علمای دینی بودند. برخورداری از ارزش و احترام خاص طبقات روحانی، عامل مهم دیگری بود که جایگاه والایی برای این دسته فراهم می‌کرد. علاقه مندی پادشاهان به حضور معبران در دربار عامل مضاعفی بود در تقویت نفوذ آنان در جامعه. در حقیقت اعتقادات دینی و فرهنگ عامه مردم، پایه‌های مستحکمی در تثبیت اهمیت حضور معبران به شمار می‌آمد. از جمله این اعتقادات مبتنی بر دین، می‌توان به عقیده رایج اقوام کهن در مورد ارتباط شاهان با خدا اشاره کرد. ارتباط میان پادشاهان و خدا از اعتقادات قدیم بسیاری از اقوام بین‌النهرین است؛ چراکه پادشاه مقام نزدیکی نسبت به خدا داشته است. در تورات هم خدا با سلیمان، پادشاه اسرائیلی سخن می‌گوید. (اول - پادشاهان ۴ : ۵)

اعتقاد به اصالت و درستی خواب شاهان از پیامدهای چنین ارتباطی است. در شاهنامه به این مورد اشاره شده است:

نگر خواب را بیهده نشمیری	یکی بهره دانش ز پیغمبری
به ویژه که شاه جهان بیندش	روان درخشنده بگزیندش
(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۸: ۱۱۰)	

خواب‌های مضبوط شاهان در آثار منظوم و منثور نیز مؤید صحت و اهمیت این گونه خواب‌هاست؛ بابک آخرین پادشاه اشکانی در رؤیایش خورشیدی را دید که از سر ساسان تابید و جهان را روشن کرد، تعبیر خوابش پیوند ساسان با دختر بابک و زاده شدن اردشیر بود که سلسله ساسانی را بنیان نهاد؛ ضحاک اسارتش را به وسیله فریدون به خواب دید؛ فرعون قحطی مصر را، بخت النصر چگونگی حوادث آینده اش را و انوشیروان هنگام تولد پیامبر شتران قوی اندامی را دید که از دجله گذشته و در دیار پارسیان پراکنده شدند، و ...

بدین ترتیب تحقق خواب شاهان، صاحبان توانایی تأویل خواب را عملاً در ردیف درباریان متنفذ و مشاوران پادشاه قرار می‌داد و حضورشان باعث آراستگی دربارها بود.

ز هر دانشی موبدان خواستی	که درگاه از ایشان بیاراستی
پزشک و سخنگوی و کند آوران	گزارنده خواب، ناموران
(همان، ج ۳ : ۸۹۱)	

معبران چه کسانی بودند؟

بررسی و تحقیق در پیشینه و سوابق وجود معبران به قدمت خواب می‌پیوندد «پیشینه خواب‌گزاری و تعبیر خواب به پیش از سده نهم قبل از میلاد می‌رسد؛ یعنی پیش از ورود مادها و هخامنشیان به ایران؛ در این دوره خواب‌گزاری توسط کاهنان کهن ایرانی انجام می‌شده است و پس از آن نیز، مغان جای آنها را گرفته و در دربار مادها، خواب‌گزاران با نفوذی بوده و پایه و مقامی بس بلند داشته‌اند. (رضی، ۱۳۸۲: ۱۱۱) در تمدن‌های بابلی و مصری و اقوام عرب، اشخاصی به وسیله تعبیر خواب، مدعی جایگاه ارتباطی منحصر به فرد با خدا بوده‌اند. در معتقدات اسلامی، خداوند در رأس معبران قرار دارد. اوست که معنای نهفته اعمال هر شخص را می‌داند و علم تأویل خواب را به بنده‌اش می‌آموزد «و کذلک یجتیبک ربک و یعلمک من تأویل الاحادیث...» (یوسف/۶) در واقع رموز متجلی در خواب، پیام‌هایی از جانب خداست و گره گشای این پیام‌ها نیز خود اوست. رؤیای صادق حضرت ابراهیم در مورد ذبح اسماعیل صریح‌ترین و مشهورترین نمونه خوابی است که توسط خداوند با فرستادن بره‌ای به قربانگاه تعبیر شد.

تمامی پیامبران به عنوان معبر خواب در مرتبه بعدی قرار دارند. «دانیال علیه السلام گفت که خدای عزّ و جلّ صد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاد همگان تعبیر خواب کردند.» (خواب‌گزاری، ۱۳۸۵: ۳)

ولی توجه به این نکته ضروری است که تعدادی از پیامبران به طور اخص به معبر خواب بودن اشتهار داشتند؛ از جمله دانیال نبی که خواب نبوکده نصر پادشاه بابل را در عهد عتیق تعبیر کرد. او «از پیامبرانی است که چون حضرت یوسف (ع) به داشتن علم تعبیر رؤیا شهره است. اقوال وی در زمینه خواب‌گزاری و تعبیر و رمزگشایی‌های وی از نمادهای رؤیا، در کتابی به نام «کتاب دانیال» به زبان سریانی گرد آوری و در روزگار عباسی به زبان عربی ترجمه شده است.» (کمیلی، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

حضرت یوسف (ع) نامدارترین پیامبر خواب گزار در طول تاریخ می باشد. و در تورات و قرآن از تعبیرهای او سخن گفته شده به طوری که در روایات تورات از جانب برادرانش و برای تمسخر به او لقب «ارباب خواب‌ها» (پیدایش، ۳۷: ۱۹) داده شده است.

حضرت محمد(ص) نیز به تعبیر خواب علاقه داشت و خواب‌های خود و مردم را تفسیر می کرد. از جمله خواب‌های پیامبر که خود آن را تعبیر کرد رؤیای دو دستبند طلائی بسته شده بر میچ دستانش بود که آن را تعبیر به ظهور دو شخص کذاب کرد. و نیز «رسول خود اندوهگن بود از آن که در شب به خواب دیده بود که تیغ وی از قبضه بشکستی و آن تعبیر کرده بود که ما را شکستی افتد. (سور آبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۱۹)

خضر پیامبری است که خاقانی در قصیده خود با مطلع :

جام طراب کش که صبح کام برآمد
خنده صبح از دهان جام برآمد

خوابی را که دیده برای او تعریف کرده و خضر تعبیر خوابش را بیان می کند :

جستم و این خواب پیش خضر بگفتم
از نفسش اصدق الکلام برآمد

(خاقانی، ۱۳۶۸ : ۱۴۶)

ذوالقرنین به اعتبار سخن دانیال علم خواب می دانست. «دانیال گفت کسی که خدای عزوجل او را بیش از همه علم خواب داد، ذوالقرنین بود.» (خواب گزاری، ۱۳۸۵: ۷)
در بین امامان شیعه، امام جعفر صادق (ع) به داشتن این علم معروف بود به طوری که حبیب تفسیری در تحریر خوابنامه «کامل التعبیر» خود جزو منابع و مأخذ مورد استفاده اش «تقسیم» جعفر صادق (ع) را نام می برد.

از جمله فرشتگان، «جبرئیل فرشته وحی علم تعبیر خواب را می داند. او خواب حضرت محمد(ص) را که دیده بود بوزنگان بر بالای منبر او می رفتند تعبیر به بنی امیه کرده بود.» (رازی، ۱۳۷۷، ج ۲۰: ۳۵۵) «جبرئیل فرشته پیام آور و مأمور ابلاغ فرمان های خداوندی است و از تعبیر خواب آگاه است و دانیال را از آنچه روی می دهد آگاه می سازد.» (جامی، ۱۳۸۲: ۸۰)

از دیگر موجودات روحانی مرتبط با علم تعبیر «هاتفان غیبی» هستند. در متون صوفیه هاتف اغلب وظیفه راهنمایی یا بشارت و انذار را در خواب یا واقعه بر عهده دارد ولی در حکایتی از مثنوی با عنوان «دیدن صاحب‌دلی در خواب چله سگی حامله را» معبر، هاتف است:

آمدش آواز هاتف در زمان کان مثالی دان زلاف جاهلان

(مولوی، ۱۳۶۶، د ۵: ۸۹۷)

پیشوایان دینی به عنوان وارثان علم پیامبران، در اغلب جوامع به دلیل اشتغال به امور معنوی و کسب علوم دینی و پرهیزگاری، مناسب‌ترین اشخاص جهت تعبیر کردن خواب‌ها تلقی می‌شدند: «بنا بر نوشته هرودت، مغان در دوره مادها نقش روحانی داشتند و خواب‌ها را تعبیر می‌کردند.» (کیا، ۱۳۷۸: ۷) در مصر تعبیر خواب از وظایف ویژه «کاهنان» بود. در شاهنامه فردوسی «مؤبدان» خواب اسارت ضحاک را تعبیر کرده و سام را با مژده زنده بودن زال خوشحال می‌کنند. در آیین بودایی و هندویی و نیز در داستان پادشاه و برهمنان کلیله و دمنه «براهمه» وظیفه تعبیر خواب را بر عهده داشتند.

شرط پیشوای مذهبی بودن در متون عرفانی نیز رایج است. در تعالیم صوفیان اطاعت کامل از پیر ضروری است. پس تعبیر خواب و واقعه مریدان نیز بر عهده «شیخ» می‌باشد و آنان بایستی تعبیر خوابشان را از پیر بجویند. در مصباح الهدایه، بدین امر این گونه تصریح شده: «... معبر یا شیخ در تعبیر و تفسیر آن نوم یا واقعه بر وجه مناسب از صورت خیال عبور می‌کند و حقیقت آن را که مدرک روح بود، دریابد و بیان کند. (عزالدین کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۲۴)

چو خوابی بینی ز تعبیر پرس تو طفلی بیانش رو از پیر پرس

(جمالی اردستانی، ۱۳۶۸: ۲۱۴)

در تأیید معبر بودن پیران، عطار در «تذکره الاولیاء» در وصف ابوالحسن حصری می‌نویسد: «شیخ ابوالحسن حصری، معبر عظیم بودی.» (عطار، ۱۳۷۰: ۷۵۹) در مناقب العارفین نیز حکایتی آمده که نشانگر متداول بودن این رویه در بین صوفیان است: «مولانا اختیار الدین امام رحمه الله روزی به حضرت مولانا خوابی را که دیده بود، تقریر می‌کرد و تعبیر آن می‌جست. گفت: امشب در خواب دریایی دیدم بس بی‌کران و در کنار آن دریا درختی دیدم بر

مثال درخت طوبی... حضرت مولانا جواب فرمود که آن دریای بی نهایت عظمت ایزد تعالی است و آن درخت بزرگ وجود مبارک محمد مصطفاست (ص)...» (افلاکی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۷۹)

داشتن شخصیت دینی گاه در مورد خواب‌گزاری شاهان نیز مؤثر است؛ یعنی شاهان اگرچه خود معبر نیستند اما در صورت دارا بودن شخصیتی اهورایی و با فرآیزدی می‌توانند معنای خوابشان را دریابند؛ از جمله این پادشاهان، سیاوش و کیخسرو در شاهنامه می‌باشند.

ابن قتیبه دینوری در بخشی از کتاب «تعبیر الرؤیا»ی خود به نام «فی ذکر طبقات المعبر» پانزده طبقه از معبرین را معرفی می‌کند که وجود صبغه‌ای دینی در آنان صفت مشترک این طبقات است:

الطبقة الاولى : من الانبياء صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين

الطبقة الثانية : من الصحابه

الطبقة الثالثة : من التابعين

الطبقة الرابعة : من الفقهاء من بعدهم

الطبقة الخامسة: من اصحاب التألیفات فی هذا العلم

الطبقة السادسة : من الزاهد

الطبقة السابعة : من الفلاسفة

الطبقة الثامنة : من الاطباء

الطبقة التاسعة : من اليهود

الطبقة العاشرة : من النصارى^۱

الطبقة الحادية عشرة : من المجوس

الطبقة الثانية عشرة : من المشركى العرب

الطبقة الثالثة عشرة : من الكهنة

الطبقة الرابعة عشرة : من السحرة

الطبقة الخامسة عشرة : من اصحاب الفراسه (الدینوری، ۱۹۹۷: ۱۱۶-۱۱۴)

از صحابه و تابعین که در طبقات دوم و سوم دینوری نام برده شده، ابوبکر را از این نظر باید در رأس صحابه دانست. او در تعبیر خواب شاگرد پیامبر بود و سعی می‌کرد در حضور پیامبر تعبیر خواب مردم را بیان کند. «و اصمعی گفت از پس پیغمبر علیه السلام این علم چهار کس گفتند و به آن کار کردند: یکی ابوبکر صدیق رضی الله عنه، دیگر سعید بن المسیب، سدیگر محمد بن سیرین و چهارم پسر فضا و بهترینشان پسر فضا بود.» (خواب‌گزاری، ۱۳۸۵: ۸) در ادامه مطلب، نکته قابل توجهی که میبایستی به آن اشاره کرد، این است که در بین معبران مذکور اثری از زنان به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد کار تعبیر مختص مردان است و فقط آنان صلاحیت این کار را دارند. علت این امر بی‌تردید مربوط به دیدگاه منفی قدما در مورد زنان است. «مولوی بر اساس عقیده رایج در روزگار خود، خواب زنان را کمتر از خواب مردان می‌داند و دلیل آن را نقصان عقل و خرد زنان می‌شمارد:

خواب زن کمتر از خواب مردان از بی نقصان عقل و ضعف جان

(مولوی، ۱۳۷۹، ۶د، ۱۹۴)

به همین سبب در زمینه خواب‌گزاری و رمز‌گشایی از نمادهای رؤیا نیز خواب‌نامه‌ها زنان را ناتوان دیده و حق تعبیر را تنها به مردان داده‌اند. در خواب‌نامه‌ها به ندرت زنی را می‌توان دید که رؤیایی را گزارده باشد. به زعم خواب‌گزاران پیشین اصولاً رؤیا را نباید به زنان گفت چه رسد به اینکه از آنها تعبیر خواسته شود. ابرقوهی می‌گوید:

خواب با چارکس نباید گفت دشمن و کودک و منافق و جفت

در کتاب «خواب‌گزاری» نیز تأکید شده که «خواب را به هیچ زن حتی مادر و خواهر نباید گفت.» (کمیلی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

اما علیرغم دیدگاه مذکور، موارد متعددی از تعبیر زنان در آثار ادبی موجود است و مردان از تعریف خواب به همسران و مادران خود ابایی نداشتند. در کتاب خواب و پنداره آمده: «در خاور نزدیک باستان زنان و کاهنه‌ها تعبیر خواب می‌کردند.» (کیا، ۱۳۷۸: ۱۲۶) در کتاب «مصباح الارواح» اردستانی نمونه‌ای از تعبیر زنی کاهنه مذکور می‌باشد که خواب عبدالمطلب

را به درستی تعبیر می‌کند. عبدالمطلب خواب زنجیر و کمند و درختی می‌بیند و زن کاهنه آن را تعبیر به پسری از صلب او می‌کند که کلیه اهل سموات پیش خاک پای او سر می‌نهند.

دید در ره کاهنه دانشوری قابله رماله‌ای، بی همسری
(جمالی اردستانی، ۱۳۸۱، ۱۰۹)

پیامبر اسلام در اوّل بعثت که خدای تعالی از طریق خواب به او وحی می‌کرد، خوابش را به خدیجه تعریف می‌کرد و خدیجه مژده بشارت می‌داد: «نخست خاصیت پیامبری که خدای تعالی پیامبر ما را بنمود خواب بود و آن خدیجه را بگفت. خدیجه گفت مژده باد ترا که با تو خدای نیکی خواهد کرد. (خواب‌گزاری، ۱۳۸۵:۵۷) روایاتی از تعبیر خواب عایشه نیز نقل شده است. «اسماء بنت ابوبکر که علم تعبیر خواب را از پدرش آموخته و سعید بن مسیب معبر نامور اموی علم تعبیر خواب را از اسماء آموخت.» (کیا، ۱۳۷۸: ۱۲۶) حتی مادران نیز گاه به تعبیر خواب فرزندان می‌پردازند. در افسانه گیل گمش، مادر او که بر همه چیز داناست، تعبیر خوابش را می‌گوید. (همان: ۲۴۱)

در ادبیات عامه نیز زنان هم تعبیر خواب می‌کنند و هم خوابشان درست و صحیح است. در داراب نامه، دایه عین الحیات خواب او را تعبیر می‌کند و در سمک عیار، «گلبوی» خوابی می‌بیند که راه نجات را به او نشان می‌دهد و او هم از همان راه می‌گریزد. در همان کتاب، پیرزنی خوابی ترسناک در مورد فرخ روز می‌بیند و بعد از آن گرفتاری‌هایی برای فرخ روز پیش می‌آید.

سایر خواب‌گزاران در آثار منظوم و منثور

در ادبیات داستانی هر کدام از شخصیت‌ها در پیشبرد عمل داستانی سهمی دارند؛ معبران نیز شامل همین قاعده می‌باشند. تعبیر آنها اغلب در روند حوادث سبب گره‌گشایی و یا پیش‌گویی است که سیر حوادث آینده را معلوم می‌دارد و گاه بشارت و نوید و تهدید و انذار است. در شاهنامه «بزرگمهر» با تعبیر خواب انوشیروان، معمای خواب او را آشکار کرده و نامحرمی را از شبستان شاهی می‌راند و حکیمی «مهران» نام که از جهان گوشه‌ای گرفته، خواب‌های «کید» پادشاه قنوج را که در طول ده شب متوالی مشاهده کرده، تعبیر و نزدیک شدن اسکندر به قلمرو فرمانروایی او را پیش‌گویی می‌کند؛ معبری به نام «زیرک»، پیشوای مؤبدان، خواب

ضحاک را تعبیر کرده و نابودی او را به دست فریدون پیش گویی می‌کند. «شاپور»، ندیم جهان دیده خسرو، در مثنوی خسرو و شیرین نظامی، خواب خوش خسرو را تعبیر کرده و به او بشارت وصال شیرین را می‌دهد. در کلیله و دمنه، حکیمی از براهمه به نام «کارایدون» خواب پادشاه را که قبلاً برهمنان مغرضانه تعبیر کرده بودند، به نیکی تعبیر کرد و مانع هلاک پادشاه و عزیزان و اتباع او شد.

حیوانات نیز که در ادبیات داستانی و اسطوره‌ای دارای رفتارهای انسانی و نمادین و دخیل در کنش‌های داستانی هستند، به تعبیر خواب می‌پردازند؛ در حکایتی از روضه العقول، «مار» معبری است که در مرزبان نامه هم تحت عنوان «داستان جولاهه با مار» - با اندک تفاوتی در حکایت - خواب‌های پادشاه را تعبیر می‌کند.

در داستان سمک عیار شخصیت‌های کلیدی داستان در علم خواب‌گزاری خبره‌اند (کیا، ۱۳۷۸: ۲۰۵) در داراب نامه، حکیمی به نام «طیطوس» که مرد دانا و خردمندی است و از جمله حکمای یونانی است، عیاری فرزانه به نام «آشوب» و «معلمی» که در هر کار با او مشورت می‌کردند، معبرانی هستند که خواب‌ها را به درستی تعبیر می‌کنند.

در غزلیات و قصاید شعرا، معبران عبارت از خود شاعر یا عاشق و گاهی معشوق هستند. خاقانی با استفاده از آیات و سور خواب خود را در مرگ فرزندش تعبیر می‌کند:

خواب بد دیدم و ز بوی خطر ناکی خواب	نیک بد رنگ شدم، بند خطر بگشاید
آتش دیدم کو باغ مرا سوخت به خواب	سر آن آتش و آن باغ به بر بگشاید
گر ندانید که تعبیر کنید آتش و باغ	رمز تعبیر ز آیات و سور بگشاید
آری آتش اجل و باغ به بر فرزند است	رفت فرزند، شما زیور و فر بگشاید

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۵۹)

جامی در سلامان و ابران از خرد خود تعبیر خوابش را درمی‌یابد:

صبحدم کز روی بستر خاستم	از خرد تعبیر این درخواستم
-------------------------	---------------------------

(جامی، ۱۳۸۲: ۱۴۶)

اهلی شیرازی عاشقی است که در غزل خود دیدار خورشید را در خواب به دیدار

معشوق تعبیر می‌کند:

دوش در خواب سحر همدم خورشید شدم مگر این خواب به دیدار تو تعبیر کنم
(اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۳۰)

و در غزل دیگری معتقد است که معشوق خوابش را تعبیر به ضدّ خواهد کرد و او را در خاک و خون خواهد نشاند.

بخوابم دوش می خواندی میان لاله زار و گل مرا درخاک و خون خواهد نشاندامشب به تعبیرش
(همان: ۲۶۷)

صفات و ویژگی های خواب گزاران

صفات و خصایص مختصّ خواب گزاران را که به آنها شایستگی و توانایی تعبیر خواب می‌بخشد، می‌توان شامل ویژگی‌های علمی، اخلاقی و فردی دانست.

اما قبل از بیان این ویژگی‌ها، پرداختن به این نکته حائز اهمیت است که علم تعبیر خواب از جمله علوم لدنی به شمار آمده است یا اکتسابی می‌باشد. روایات و آثار صاحب‌نظران ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازند که در موارد خاصی، این استعداد کرامتی است که از جانب خداوند شامل خواصّ بندگان است. تقدّسی که در دین اسلام برای خواب‌گزاری قائل شده‌اند، نظیر اعتقاد ابن عربی که معبر را دارای اجزائی از نبوت می‌داند، موهوبی بودن این دانش را برای بندگان صاحب باطن مطرح می‌کند. حکایات موجود در نحوه معبر شدن افراد نیز تأییدی بر موهوبی بودن این علم می‌باشند. در تفسیر سوره یوسف آمده است: «جبرئیل به صورت جوانی نیکو به زندان رفت. پس گوهری زرد با خود داشت در دهان یوسف نهاد و گفت: فرو خور. فرو برد علم تعبیر و حکمت در سینه او پیدا شد.» (طوسی، ۱۳۶۷: ۳۹۱) ابن سیرین نیز خواب را به من بیاموز. او گفت: دهانت را باز کن. همان کار را کردم و او داخل دهانم تف کرد و صبح که بیدار شدم معبر خواب شده بودم.» (چیکیتی، ۱۳۸۸: ۶۷)

به طور کلی، صرف‌نظر از چنین حکایاتی که البته بسامد اندکی نیز دارند، توصیه‌ها و دستور العمل‌های مندرج در کتب مربوط به خواب‌گزاری و وجود امکان اشتباه و التباس، اغلب نمایانگر اکتسابی بودن این علم هستند و یادگیری اصول و پایه‌های این علم و داشتن

خصوصیاتی خاص، شروط اساسی این فن هستند که خواب‌گزار بدون کمک آنها و به صرف تقلید در این راه، ناکام باقی می‌ماند.

از جمله ویژگی‌های علمی که ابن سیرین برای خواب‌گزاران می‌شمارد یادگیری علوم دینی و ادبی است: «او باید علم تعبیر قرآن، اخبار پیامبر، امثال عرب و عجم، اشعار و الفاظ متداول، صرف و نحو، علوم بلاغی و توارد و ... را فرا گیرد.» (تفلیسی، ۱۳۷۳: ۶) در لزوم یادگیری علوم دینی که ابن سیرین بدان اشاره دارد باید به این نکته توجه کرد که علم خواب‌گزاری جزو دانش‌های شرعی دانسته شده است و ابن خلدون نیز در کتاب «مقدمه»، فصل هجدهم «علم تعبیر رؤیا» به این مورد اشاره کرده است. «هذا العلم من العلوم الشرعیة و هو حادث فی الملّه عندما صارت العلوم صنائع...» (ابن خلدون، ۱۹۹۳م: ۳۸۹) همچنین در کتاب «التحییر فی علم تعبیر» آمده: باید که معبر عالم باشد به حساب جمل که آن را اندرین باب منفعت بسیار است.» (رازی، ۱۳۵۴: ۳۳)

در کتاب «خواب‌گزاری» از قول دانیال، علاوه بر ویژگی‌های علمی به خصایص اخلاقی نیز اشاره شده است: «گفت واجب کند بر جوینده این علم که راست گوی بود و دانا به روزگار پیغامبران و به نام‌هاشان و به نام پدرانشان و تأویل و تنزیل داند. و گفت این علم آن را دهد که راست گوی بود و ترسکار. پس هر کسی که خدای تعالی این بدو داد باید که جز صواب نگوید و ساکن باشد و علم روزگار داند و فال و قیاس بداند که این علم جزوی است از هفتاد جزء پیغمبری، و هر کسی که این علم داند و یافت باید که کردار پیغامبران داند و وفا و نصیحت جستن اندر تفسیر خواب» (خواب‌گزاری، ۱۳۸۵: ۱۱)

در شاهنامه آمده که خواب‌گزاران نه فقط به برخی علوم بلکه باید به تمام دانش‌ها توانا باشند:

هر آنکس که در خواب دانا بدند به هر دانشی بر توانا بدند

به ایوان بابک شدند انجمن بزرگان فرزانه و رای زن

(فردوسی، ۱۳۶۳، ج ۷، ۱۱۸)

و: گزرانده خواب باید کسی کزین دانش اندیشه دارد بسی

(همان، ج ۲: ۱۳۱)

در حکایت «مرد جولاهه» روضه العقول، به داشتن مهارت خواب‌گزار در گردش آسمان و احکام ستارگان اشاره شده: «... او را سهم الغیب در طالع است و بر دور افلاک و احکام نجوم ماهر» (ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۹۶)

از مجموع این بیانات مستفاد می‌شود که علم تعبیر خواب چون جزو دانش‌های شرعی است؛ لذا یادگیری علوم دینی اصلی‌ترین رکن آن محسوب می‌شود و علاوه بر آن، علوم دیگری که در فوق بدان اشاره شد و همچنین مطالعه کتاب‌های تعبیر خواب، مکمل معلومات مورد نیاز خواب‌گزاران می‌باشد. اما این علوم به تنهایی کافی نیستند و خواب‌گزار جهت کسب مرتبه محرمیت و تعبیر خواب بایستی واجد صفات خاصی نیز باشد. سجایا و فضایل اخلاقی که پایبندی خواب‌گزار بدانها سبب تحکیم موقعیت اجتماعی او در میان اقشار جامعه و جلب اعتماد دیگران می‌گردد، به ترتیب اولویت عبارتند از: امانتداری، رازداری و وفاداری؛ چراکه معبران بدون این صفات سزاوار تدبیر و مشورت نیستند. در داستان پادشاه و پراهمه کلپله و دمنه در باب برهمنان و عدم امانت داری و وفاداری آنها چنین ذکر شده: اگرچه در علم خوضی پیوسته‌اند بدان دالت هرگز سزاوار امانت نگردند و شایان تدبیر و مشورت نشوند... علم و مال او را به زینت وفا و کرم آراسته نگرداند. (منشی، ۱۳۷۰: ۳۶۵) و بالعکس در توصیف «کارایدون» حکیم و ترجیح او بر برهمنان معبر بر صداقت و دین داری او اشاره شده و این که علم را با بردباری به همراه دارد: «در صدق و دیانت بر ایشان راجح است، حوادث عالم بیشتر پیش چشم دارد و در عواقب کارها نظر او نافذتر است و علم و حلم او را جمع شده است.» (همان: ۳۶۷)

توانمندی‌های فردی عواملی هستند که نقش مهمی در دستیابی افراد به موفقیت‌های شغلی و اجتماعی ایفا می‌کنند. بهره‌مندی از نقاط قوت خود شیوه کارآمدی است که منجر به دستاوردهای مطلوب می‌شود. از جمله این توانایی‌ها «خردمند بودن و داشتن عقلی راهنما» است که همچون عطیه‌ای خاص کامیابی بدون آن دشوار است؛ لذا پیامبر اسلام توصیه می‌کند که «... خواب خود را جز به مرد خردمند یا دوست صمیمی مگوی.» (رازی، ۱۳۵۴: ۳۳) نیز از

معایبی که برای برهمنان در کلیله و دمنه برشمرده شده، این است که «نه عقل رهنمای دارند و نه دینی دامن گیر» (منشی، ۱۳۷۰: ۳۶۸)

دیگر توانمندی‌ها عبارتند از: «صاحب فراست» بودن: «معبری سخت حاذق و صاحب فراست» (وراوینی، ۱۳۷۰: ۵۷۸) «زیرک بودن»: به تعبیر مولوی: «شهان با دهان» و در گفتار ابن سیرین: «همچنین باید زیرک و عارف باشد» (تفلیسی، ۱۳۷۳: ۶) عارف بودن به شمایل و احوال مردمان، خرده دانی، آگاهی و بیداری در تعبیر خواب: در مثنوی یوسف و زلیخای جامی، حضرت یوسف این گونه به سلطان مصر معرفی می‌شود:

که در زندان همایون فر جوانی است که در حلّ دقایق خرده دانی است
بود بیدار در تعبیر هر خواب دلش از غوص این دریا گهر یاب
(جامی، ۱۳۸۹: ۷۱)

قدرت پیش بینی: «در عواقب کارها نظر او نافذ تر است» (منشی، ۱۳۷۰: ۳۶۷)
«داشتن مزاج مستقیم و معتدل: «با معبری امین عالم بگوید و با کسی که مزاج بر وی غالب باشد نگوید» (رازی، ۱۳۵۴: ۴۴)

مجرّب بودن و نیز استفاده از تجارب دیگران مزیتی است که در توفیق خواب‌گزاران بسیار مؤثر است: «...پس بیشتر تعبیر به تخمین بود و به تجربت‌ها بجای آورند» (ابن سینا، ۱۳۳۱: ۱۳۴)

پاداش یا مجازات (مزایا و معایب شغلی خواب‌گزاران)

شاید بتوان یکی از دغدغه‌های اصلی خواب‌گزاران درباری را دریافت عطای شاهانه و رسیدن به مراتب اعلیٰ یا بالعکس مجازات و از دست دادن جان و مال دانست. گاه میزان خردمندی و زیرکی خواب‌گزاران در نحوه تعبیر می‌تواند یکی از این دو سرنوشت را برای او رقم زند؛ ماجرای تعبیر خواب هارون الرشید در قابوسنامه از جمله چنین مواردی است. این حکایت که با اندک تفاوتی در «روضه خلد» تکرار شده است، در بیان خوابی است که هارون الرشید دید تمامی دندانهای ریخته است؛ معبر چنین تعبیر کرد که همه اقربای تو قبل از تو می‌میرند. هارون دستور داد به او صد چوب بزنند که سخنی بدان دردناکی به او گفت. خواب‌گزار دیگری تعبیر می‌کند که «خداوند دراز زندگانی تر بود از همه قرابات خویش.» (عنصرالمعالی کیکاوس، ۱۳۶۶: ۴۵) و هارون دستور می‌دهد

صد دینار به او پاداش بدهند. در حکایت روضه خلد، هارون در مورد معبر اوئی دستور می‌دهد تمام دندان‌هایش را بکشند و در مورد تعبیر خوابگزار دومی «امیرالمؤمنین را خوش آمد، هزار دینار به وی داد.» (مجد خوافی، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

در حکایت «مرد جولاهه» روضه العقول، ملک برای بیان هر کدام از سه خوابش - فرو باریدن حیوانات مختلف از آسمان - و تعبیر صحیح مرد جولاهه، سه هزار درم کرامت کرد و در حکایت مرزبان نامه هزار دینار زر. مهدی، خلیفه بغداد، در قبال یادآوری خوابش که در آن مردی قرشی از قبیله خود را در دشت همواری دیده و فراموش کرده بود، دستور داد بیست هزار دینار به خلیل اصفهانی بپردازند. (رک: خواب‌گزاری، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۹)

در داستان کلیله و دمنه، برهمنان را به مجازات تعبیر مغرضانه «نکال کردند و بعضی را بر دار کشیدند.» و در عوض کارایدون حکیم را به مواهب خطیر مستغنی گردانیدند. نبوکد نصر، کلدانیان (در امپراطوری روم، پیشگویان و منجمان را کلدانی می‌خواندند) را در صورت عدم اطلاع در بیان خواب و تعبیرش، تهدید به پاره پاره شدن و مزبله ساختن خانه‌های آنان می‌کرد و به روایتی «هفتصد مرد دانشمند را بکشت و هیچ کس تعبیر خواب او را نمی‌دانست.» (همان: ۲۷) فرعون مصر حضرت یوسف را به پاداش تعبیر خواب، به مقام عزیزی مصر منصوب کرد. نمونه‌های ذکر شده مواردی از تنبیه و تشویق‌هایی است که در طول تاریخ در مورد خواب‌گزاران اعمال شده است، ترس از مجازات گاه از عواملی بود که باعث عدم تمایل معبران به بیان تعبیر خواب شاهان می‌شد؛ مانند ترس خواب‌گزاران از تعبیر خواب ضحاک در شاهنامه؛ «ضحاک به اندرز ارنواز، مؤبدان بخرد، اخترشناسان و افسونگران را از کنار گرد می‌آورد و آن‌ها را می‌فرماید که راز رؤیا را بر او بگشایند. دانایان خواب‌گزار از بیم جان خاموش می‌مانند. (کزازی، ۱۳۷۰: ۵)

لب مؤبدان خشک و رخساره سرد
 زیان پر ز گفتار و دل پر ز درد
 که گر بودنی باز گویم راست
 شود جان به یکبار و. جان بی بهاست
 (فردوسی، ۱۳۶۳ع ج ۱: ۳۸)

اما در میان مردمان عادی، معبران در کام چنین خطراتی نبودند و طبیعتاً دستمزد و پاداش آنان نیز مبلغ قابل ملاحظه‌ای به شمار نمی‌آمد. میزان دستمزدی که از مردم عادی دریافت می‌کردند در رساله دلگشا «دو تنگه» ذکر شده (رک: عبید زاکانی، ۱۳۸۳: ۶۰) و در روضه العقول «دو درم». در حکایت روضه العقول، فلاحی که بدون کسب این علم و به صرف تقلید ادعای تعبیر خواب

می‌کرد به تبعیت از معبر دیگری مزدش را دو درم اعلام می‌کند و چون خواب یکی از خادمان والا مقام پادشاه را نمی‌تواند تعبیر کند به سرزنش و هلاک محکوم شده و مجبور به گریختن می‌شود. (ر.ک: ملطیوی، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

تنبیه و تشویق از تبعات و نتایج تعبیر خواب‌ها بود، ولی گاه معبران به جهت مستور ماندن راز خواب‌ها و افشا نشدن آنها کشته می‌شدند. حکایت روضه العقول مؤید این ادعاست: ملکی حیل‌گر و خبیث در بلاد هند شبی خوابی منکر دید، دستور داد همه خواب‌گزاران را جمع کردند و تعبیر خوابش را از یکایک آنها پرسید و بعد «به قتل ایشان مثال فرمود تا از اصرار اسرار آن خواب مستور ماند و کیفیت آن از افشا محروز». (همان: ۴۸۸)

افراسیاب نیز در شاهنامه در باره فاش شدن رؤیایش به مؤبدان هشدار می‌دهد:

کزین خواب و گفتار من در جهان کسی نشنود آشکار و نهان
کسی را نمانم سر و تن به هم اگر زین سخن بر لب آرند دم
(فردوسی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۳۱-۱۳۲)

از دشواری‌های دیگری که خواب‌گزاران در ارتباط با خواب بینندگان روبرو می‌شدند توقعات خاص افراد از آنان بود. از جمله این توقعات، الزام خواب‌گزاران به بیان ماجرای خواب بود. شاهانی که خواب خود را فراموش کرده بودند یا تمایل به آزمون معبران داشتند، خواب‌گزاران را ملزم به تعریف خوابی می‌کردند که خود دیده بودند. در باب علت فراموشی خواب «دانیال گفت هر مردی که خواب‌های بسیار ببیند و فراموش کند، دلیل آن بود که مرد را نیت ضعیف بود و سنگی بار باشد از گناهان و گفت نیک مرد را خواب کمتر فراموش گردد.» (خواب‌گزاری، ۱۳۸۵: ۹)

مهدی خلیفه بغداد خوابی دیده و فراموش کرده بود و از این جهت غمگین بود. وزیر، خلیل اصفهانی صاحب ترجمه کتاب دانیال را می‌طلبید تا خواب را بیان کند، خلیل با استفاده از حرکات مهدی فالی گرفته و موفق به تعریف خوابش می‌شود؛ پس مهدی عجب بماند (همان: ۳۹) بخت النصر جهت آزمون خواب‌گزاران و کسب اطمینان از تعبیر صحیح آنان می‌خواست که خوابش را برایش تعریف کنند ولی معبران این کار را غیر ممکن می‌دانستند: «مطلبی که شاه می‌پرسد چنان

بدیع است که احدی غیر از خدایانی که مسکن ایشان با انسان نیست نمی‌تواند آن را برای پادشاه بیان نماید. (کیا، ۱۳۷۸: ۲۴۶)

حضرت یوسف بعد از تعبیر خواب فرعون، هنگام مواجهه با او برای نشان دادن قدرت خود به تعریف خواب فرعون می‌پردازد و بدین وسیله فرعون را متعجب می‌کند. در دو حکایت از اسرارالتوحید «شیخ ابوسعید» خواب اشخاص را قبل از آن که آنان خواب خود را به کسی بیان کنند، بازگو می‌کند؛ نخست در خصوص خواب پدر ابوالمعالی جوینی: «باز نمود که من به کرامت و فراست بر آنچه تو دوش به خواب دیده‌ای اطلاع دارم.» (محمد بن منور، ۱۳۷۶: ۸۷) و دیگری در مورد خواب شخصی به نام شیخ عبدالصمد بن حسن القلانسی که در خوابش دیده بود شیخ در جایی نشسته بود که معهود او نبود، شیخ قبل از آغاز بیان خواب عبدالصمد می‌گوید: «آواز بلند کن تا مردمان بشنوند که ما در مکان ایشان و برای قضاء حوائج ایشان می‌نشینیم و الا ما را مکان نیست.» (همان: ۱۰۶)

از دیگر توقعات خواب بیننده‌ها که گاه گریبان‌گیر خواب‌گزاران می‌شد این بود که معبران خواب را مطابق میل آنان تعبیر کنند؛ چنانکه ملک خبیث در حکایت روضه العقول می‌خواهد: «باید که در تعبیر آن ید بیضا نمایی و مرا از هاویه هول به اوج طول برسانی» (ملطیوی، ۱۳۸۳: ۴۹۰) ولی «تعبیر خواب بر مبنای علم گزارده شود نه بر ملتسم ارادت تو» (همان: ۴۹۰) شاید بتوان ریشه چنین تفکری را بر این اصل متوجه دانست که بعضی از خواب‌ها تابع تعبیر دانسته شده‌اند و معبر به خاطر بی‌ثباتی آن خواب‌ها، آن گونه که آنها را تعبیر کند، واقع خواهند شد و آن عنایتی است از جانب خداوند در حق خواب‌گزار؛ ولی برخی دیگر از خواب‌ها چنانند که تعبیر معبر در آنها اثری ندارد و اگر معبر بر خلاف تعبیر کند آن گونه که نموده باشند واقع می‌شود. «از پیامبر حدیثی در این معنی نقل شده است که فرمود: «الرؤیا علی ما تعبر» و نیز فرموده است علیه السلام که «الرؤیا برجل طائر فاذا عبرت وقعت» معنی حدیث آن است که می‌فرماید که تعبیر خواب آن چنان باشد که آن را تعبیر کنند و معنی دوم آن است که می‌فرماید که خواب بر بال مرغی آویخته است چون تعبیر کردند واقع شد.» (رازی، ۱۳۵۴: ۳۹)

لذا در چنین مواقعی که خواب مطابق میل خواب بیننده‌ها نبود، خصوصاً شاهان، برای گریز از وقوع تعبیر به دستکاری خواب‌گزاران به تمهیداتی متوسل می‌شدند ولی قدرت تقدیر بر آنان چیره می‌شد.

طبقه اجتماعی خواب گزاران

خواب گزاران اگرچه جزو طبقات درباری بودند ولی سلسله مراتبی که در دربار میان درباریان حاکم بود آنان را جزو دسته‌های بخصوصی گرد می‌آورد که معمولاً از یک سنخ و درجه بودند و تشابهات و وجوه مشترکی در شغل آنان وجود داشت. منجمان، گروهی بودند که در کار تعبیر و آینده‌نگری و پیش‌گوئی، گاه با معبران همراه می‌شدند و راه و چاره از آنان نیز خواسته می‌شد به همین جهت هنگام نیاز، نام آنها هم در کنار خواب گزاران ذکر می‌شد.

ولی توکل تو بی نیاز داشت ترا ز فال گوی و ز اختر شناس و خواب گزار

(معزی، ۱۳۶۲: ۲۴۶)

«ضحاک به اندرز، مؤبدان بخرد، اختر شناسان و افسونگران را از گوشه و کنار گرد

می‌آورد و آنان را می‌فرماید که راز رؤیا را بر او بگشایند.» (کزازی، ۱۳۷۰: ۵)

با معبر گفت و با اهل نجوم چون بود دفع خیال و خواب شوم

(مولوی، ۱۳۶۶، د ۳: ۴۲۲)

همان طوری که ملاحظه می‌شود علاوه بر منجمان، نام گروه‌های دیگری به همراه خواب گزاران ذکر می‌شود که از آنها نیز به جهت علمی که در نماد شناسی و گشایش رازها دارند، در تعبیر خواب مدد می‌جویند.

«سحره، کهنه، قیافان را بخواند و خواب بر ایشان عرضه کرد.» (رازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۳)

«کاهنان و معبران را بخواند و خواب بر ایشان عرضه کرد.» (همان: ۲۷۱)

برای تعبیر خواب نبوکد نصر: «آن گاه مجوسیان و جادوگران و کلدانیان و منجمان

حاضر شدند و من خواب را برای ایشان باز گفتم.» (کزازی، ۱۳۸۸: ۸۵)

«پس پادشاه امر فرمود مجوسیان و جادوگران و فالگیران و کلدانیان را بخوانند تا خواب

پادشاه را برای او تعبیر نمایند.» (کیا، ۱۳۷۸: ۲۴۵)

نتیجه گیری

آگاهی یافتن از اسرار جهان ماوراء، جزو خواسته‌های فطری بشر می‌باشد و خواب به عنوان یکی از راه‌های دستیابی بدان دانسته شده است. نیاز انسان‌ها به افرادی که با علم و استعداد خاص خود واسطه گشایش رازهای پیچیده خواب باشند، موجب اقبال آنان به خواب‌گزاران می‌شد. این طبقه از محارم تلقی می‌شدند؛ لذا نفوذ خاصی در جامعه داشتند. در معتقدات اسلامی خداوند، پیامبران، موجودات روحانی و پیشوایان دینی دارای علم تعبیر می‌باشند. در میان آثار منظوم و منثور فارسی نمونه‌های متعددی از تعبیر خواب‌گزاران ذکر شده که معمای خواب‌ها را گشوده و گاه پیش‌گویی‌های شگرفی نیز کرده‌اند. ویژگی‌ها و خصوصیات خاصی که دارا بودن آنها جزو ضروریات ناگزیر معبران است، شامل احاطه به علوم مختلف از قبیل علوم دینی، ادبی، نجوم و ... و یا فضایل اخلاقی نظیر صداقت، امانت‌داری، رازداری و ... و نیز توانایی‌های فردی همچون خردمندی، زیرکی، قدرت پیش‌بینی و ... می‌باشند.

مخاطراتی که خواب‌گزاران در این رهگذر دچار آن‌ها هستند به نسبت مزایا و افتخارات کسب شده، عظیم و قابل توجه می‌باشند؛ از دست دادن مال، شکنجه و کشته شدن از جمله مجازات‌هایی بودند که بینندگان خواب، علی‌الخصوص شاهان به دلایل مختلف از جمله مستور ماندن راز خواب‌ها در حق معبران روا می‌داشتند.

در مواقع نیاز گاه علاوه بر خواب‌گزاران، سایر گروه‌های درباری نیز در تعبیر خواب‌ها مورد مشورت قرار می‌گرفتند: مؤبدان، منجمان، کاهنان، جادوگران و فالگویان و از افرادی توانا که در شناخت نمادها و رمزگشایی‌ها دستی داشتند، در تعبیر خواب مدد می‌طلبیدند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- تورات.
- ۲- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۹۹۳م)، مقدمه، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- ۳- ابن سینا، حسین، (۱۳۳۱)، طبیعیات دانشنامه علایی، تصحیح سید محمد مشکوه، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۴- از نویسنده‌ای نامعلوم، (۱۳۸۵)، خواب‌گزاری، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات المعی، چاپ اول.
- ۵- افلاکی، شمس الدین، (۱۳۷۵)، مناقب العارفین، تصحیح تحسین یازیچی، تهران، دنیای کتاب.
- ۶- اهلی شیرازی، (۱۳۶۹)، کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی، تصحیح حامد ربّانی، انتشارات کتابخانه سنائی، چاپ دوم.
- ۷- بیغمی، محمد بن احمد، (۱۳۸۱)، داراب نامه، تصحیح ذبیح الله صفا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- ۸- تفلّیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم، (۱۳۷۳)، کامل التعبير، تصحیح بابک جعفری نیکو، احمدی، تهران، نشر ساحل.
- ۹- جامی، عبدالرحمن بن احمد، (۱۳۸۹)، هفت اورنگ، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران، انتشارات مهتاب، چاپ نهم.
- ۱۰- -----، (۱۳۸۲)، سلامان و ابسال، تصحیح محمد روشن، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- ۱۱- جمالی اردستانی، جمال الدین محمد، (۱۳۸۱)، مصباح الارواح، تصحیح ابوطالب میرعابدینی، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۲- -----، (۱۳۸۸)، شرح الکنوز و بحر الرموز، تصحیح امید سروری، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ۱۳- چیکیتی، آمبرتو، (۱۳۸۸)، توصیف و تبیین خواب و رؤیا در متون صوفیه با تأکید بر مثنوی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۴- خاقانی، افضل الدین بدیل، (۱۳۶۸)، دیوان، تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم.
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۶- دینوری، یعقوب بن نصر، (۱۹۹۷)، کتاب التعبير أو القادری فی التعبير، لبنان، عالم الکتب.
- ۱۷- رازی، ابوالفتح، (۱۳۷۷)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ۱۸- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، (۱۳۵۴)، التحبیر فی علم التعبير، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۹- رضی، هاشم، (۱۳۸۲)، آیین مغان، سخن.
- ۲۰- سور آبادی، عتیق بن محمد، (۱۳۸۰)، تفسیر سور آبادی، تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو.
- ۲۱- طوسی، احمد بن محمد بن زید، (۱۳۶۷)، قصه یوسف، به اهتمام محمد روشن، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۲۲- عبید زاکانی، نظام الدین، (۱۳۸۳)، رساله دلگشا، تصحیح علی اصغر حلبی، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- ۲۳- عز الدین کاشانی، محمود بن علی، (۱۳۸۹)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح جلال الدین همائی، تهران، زوار، چاپ اول.
- ۲۴- عطار، فرید الدین محمد، (۱۳۷۰)، تذکره الاولیاء، تصحیح محمد استعلامی، تهران، زوار، چاپ ششم.
- ۲۵- عنصر المعالی کیکاوس بن قابوس و شمگیر، (۱۳۶۶)، قابوس نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.

- ۲۶- الغراب، محمود محمود، (۱۹۹۳)، الخیال، (العالم البرزخ و المثال، یلیه الرؤیا و المبشرات من کلام الشیخ الأكبر محی الدین بن عربی)، دمشق، دارالکتب العربی.
- ۲۷- فرامرز بن خدا داد بن عبدالله الکاتب الجرجانی، (۱۳۶۳)، سمک عیار، تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم.
- ۲۸- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، شاهنامه، ژول مول، ترجمه جهانگیر افکاری، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم.
- ۲۹- کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۸۸)، رؤیا، حماسه، اسطوره، تهران، نشر مرکز، چاپ پنجم.
- ۳۰- _____، (۱۳۷۰)، مازهای راز، تهران، نشر مرکز.
- ۳۱- کمیلی، مختار، (۱۳۸۷)، «خوابنامه نویسی در زبان و ادب فارسی»، گوهر گویا، سال دوم، از ۱۵۱ تا ۱۷۷
- ۳۲- _____، (۱۳۸۹)، «زن در خوابنامه‌های فارسی»، گوهر گویا، سال چهارم، از ۱۰۹ تا ۱۳۰
- ۳۳- کیا، خجسته، (۱۳۷۸)، خواب و پنداره، تهران، نشر مرکز.
- ۳۴- مجد خوافی، (۱۳۸۹)، روضه خلد، تصحیح عباسعلی وفایی، تهران، سخن.
- ۳۵- محمد بن منور میهنی، (۱۳۷۶)، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ السعید، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، نیل، چاپ چهارم.
- ۳۶- معزی، محمد بن عبدالملک نیشابوری، (۱۳۶۲)، دیوان، تصحیح ناصر هیری، تهران، نشر مرزبان، چاپ اول.
- ۳۷- ملطیوی، محمد بن غازی، (۱۳۸۳)، روضه العقول، تصحیح محمد روشن، ابوالقاسم جلیل پور، تهران، نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول
- ۳۸- منشی، نصرالله، ابوالمعالی، (۱۳۷۰)، ترجمه کلیل و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، چاپخانه سپهر، چاپ نهم
- ۳۹- مولوی، جلال الدین، (۱۳۶۶)، مثنوی معنوی، تصحیح رینولدالین نیکلسون، طلوع، چاپ پنجم.
- ۴۰- وراوینی، سعد الدین، (۱۳۷۰)، مرزبان نامه، تصحیح خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، چاپ چهارم.